



شماره هشتم | آبان ماه نود و سه



الهام افرون تن | عکس
امین درستکار | سینما
سریا داودی حموله | شعر
شهیار عزیزی | داستان
امید خواجه | ویلاگ
پویا آسمانی | موسیقی
مژگان بدیمی | تجسمی
نسترن محسنی | کاریکاتور



آنتوان بری عکاس فرانسوی فارغ التحصیل رشته ی عکاسی از دانشگاه سویس و ساکن لیل فرانسه است. او از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ به مناطق کوهستانی اروپا سفر کرد که نتیجه ی آن عکس های برگرفته از مردم محلی و محیط فیزیکی اطراف و شرایط اقتصادی زندگی آنهاست. این مجموعه درباره ی زنان و مردانی است که به دور شهر از و شهرنشینی زندگی می کنند.

او تا کنون نمایشگاه های بزرگی را در اروپا و سراسر جهان برگزار کرده است . بری همچنین جوایز GETTY IMAGE و LENS CULTURE را نیز کسب کرده است.

مجموعه ی پیش رو به نام Scrublands است که جایزه LENS CULTURE را به خود اختصاص داده است.





"سینمای ناب" عنوانی است که برخی از تئوریسن های سینما مانند "بلا بلاش" به فیلمهای آوانگارد دهه بیست آلمان و فرانسه اختصاص دادند. ژرمن دولاک و "ابل گانس" در فرانسه و "والتر روتمن" و "هانس ریشر" در آلمان از جمله کسانی بودند که با توجه ویژه به ریتم و فرم و دوری از داستان پردازی کلاسیک، این سینمای آوانگارد را بنا نهادند. طی سالیان با ورود هر چه بیشتر اقتصاد به سینما و تولید محصولاتی صرفا سرگرم کننده و تماشاگرپسند، این نوع سینمای پیشرو، به دست فراموشی سپرده شد و تنها جایگاهی که همچنان "سینمای ناب" قادر به فعالیت در آن می باشد، شاید عرصه فیلم کوتاه است.

با این وجود در جامعه ای که اسطوره های اکثر فیلمسازان عرصه فیلم کوتاهش "بن هور"، "هالیوود"، "کیمیایی" و "حاتمی کیا" باشد، امید به سینمای ناب محقق نخواهد شد و انتظار موفقیت در این فضا تقریباً امری دست نیافتنی خواهد ماند.



۱

هر پرنده ای که می‌خواند

نام ما را

زخمی می‌کند!

۴

اولین گلی

که شکوفه می‌کند

نشانی ما را می‌پرسد!

۲

اگر تو نبودی

آفتاب گردان‌ها

از سمت دیگر عشق گریخته بودند!

۵

اگر گنجشکی بمیرد

گنجشکی دیگر

برایش آواز می‌خواند

اگر شاعری بمیرد

کدام پرنده

۳

حالا که قناری

در گلوی تو مرده است

آیا آینده‌ی جیبی مادر بزرگ

مرا به یاد خواهد آورد؟

رویاهایش را از باد و باران پس می‌گیرد؟!

یک شب دیدم هیچ کاری ندارم جز اینکه بمیرم. نه اینکه واقعا هیچ راهی در زندگی نداشته باشم. بلکه حس مردنم برای این آمده بود که تمام کارهایم را انجام داده بودم.

شیر حمام که چکه می کرد را درست کردم. شامم را خوردم و ظرفهایش را بلافاصله شستم. کمی بعد کتابی که ناتمام گذاشته بودم را خواندم و به اخبار ۲۴ هم گوش دادم. بعد از آن بود که زندگی به نظرم غیر قابل تحمل آمد. اصولا برای شخصی که کاری در دنیا ندارد، زندگی کردن کاری عبث و بی خودیست. پنجره را بستم، شیر گاز را باز کردم و خوابیدم روی تخت. باز مثل هر شب به گذشته فکر کردم و برای خودم رویا بافتم.

بعد از گذشت یک ساعت هیچ تغییری در من رخ نداد. داشتم به امروز فکرمی کردم و قبض هایی که پرداخت نکرده بود. یادم آمد که هنوز کارهایی قبل از مردنم هست که انجام ندادم. آن شب نمردم.





در شمال شهر خیابان کم عرضی ست که صبحهای خیلی زود معبر اتوبوس ها و مینی بوس های می شود که مردان نیمه بیدار - نیمه خواب آلود شهر را می برند به کیلومترها آنطرف تر، به کارخانه ها و کارگاههای صنعتی آن سوی تپه ها. به این خیابان که از میان یک محله ی قدیمی و درست از کنار یک کانال بزرگ و روباز فاضلاب شهری عبور می کند، به حق می توان آئینه ی تمام نمای مصائب و شوربختی های این شهر لقب داد. خیابانی با آسفالتی پر از چاله و چوله و پر از پستی و بلندی که در حاشیه اش خانه های پوسیده و ساخته شده از مصالح نامناسب، بی هیچ نظم و ترتیبی در دل هم جای گرفته اند. یک طرف آن هم، در کنار خانه ها، رودی از فاضلاب بدون اینکه نگران کسی را جلب کند، از آن نزدیکی می گذرد. در ضمن بوضوح هم می شود دید که کناره های این رود فاضلابی، تبدیل به محلی شده است برای تخلیه زباله های همان خانه ها.

بله، داشتم میگفتم که هر روز، صبح های خیلی زود، من و خیلی های دیگر نیمه بیدار - نیمه خواب آلود از این خیابان عبور می کنیم.

MEGADETH

RUST IN PEACE



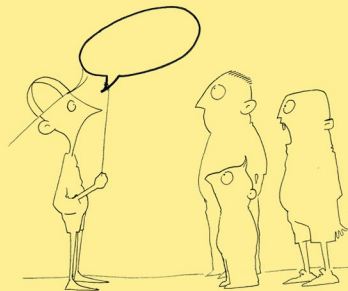
جنگ جهانی دوم و در پیامد آن جنگ سرد، با تمام بدی‌ها و عواقب تاریک، یک پیشامد و تحول در موسیقی‌های واخواهی و اعتراضی به وجود آورد. آن هم نگرش عمیق‌تر هنر موسیقی، به رویکردهای جهانی بود. که باعث سر و شکل گرفتن سبک‌های جدیدی شد که وضعیت نابسامان جهانی در شکل گرفتن آن‌ها تاثیر مستقیم داشت. اوایل دهه هشتاد میلادی موج اول ترش متال با مشتق شدن از هاردکورپانک، از سبک‌هایی قوی و پیچیده بود که از همین رویکردها به وجود آمد. آلبوم "همه‌شان را بکش" از متالیکا، استارت ترش متال سرعتی با مضامین اعتراضی بود که پنج سال بعد یعنی در ۲۵ اوت ۱۹۸۸، متالیکا با شاهکار بی‌دلیل خود یعنی "... و عدالت برای همه" آن را تکمیل و تکرار کرد. "و عدالت برای همه" را می‌توان نقطه عطفی در موسیقی‌های واخواهی و حتی از برترین‌های تاریخ رسانه در این زمینه دانست. آلبوم لحنی بدیع و ساختار شکن دارد که در فضایی افسرده اما خشن، بی‌پروا جنگ، تبعض‌نژادی، سانسور و دروغ را فریاد می‌زند. در ابتدای دهه نود، "مگادث" پایش را فراتر از این گذاشت و با انتشار آلبوم "در آرامش زنگ بزنید" این جنبش اعتراضی/هنری را چند قدمی به جلو هل داد. "در آرامش زنگ بزنید" با کنایه به زنگ زدن همه بمب‌های اتم در سوله‌هاشان، در طرح روی جلد خود سران پنج کشور قدرتمند دنیا را به تصویر می‌کشد که در کنار یک موجود فضایی که درون یک محفظه شیشه‌ای و فلزی قرار دارد، نشسته‌اند! "در آرامش زنگ بزنید" از این لحاظ که از آخرین آلبوم‌های این جنبش اعتراضی بود حائز اهمیت است. در دهه نود و با رویکار آمدن موج دوم ترش‌متال (پست ترش‌متال) و البته ثبات نسبی دنیا در آرامش و دنیای بدون جنگ، به وضوح از بُرندگی ترش‌متال از لحاظ محتوایی کاسته شد. اعتراضات در اشعار دیگر بیشتر حول و حوش انسان خودکامه و ماشینی بود که در هزارتوی نفسانی‌اش گرفتار شده است.

ترش متال هیچ‌گاه از قالب موسیقی خود بیرون نرفت و مانند جنبش پانک تبدیل به یک خُرده فرهنگ نشد. اما دیدگاه و نگرش آن باعث شد که از لحاظ ارزش و اهمیت یکی از مهمترین فریادهای هنر نسبت به وضع جهانی با مشت‌های گره کرده باشد.

"میرچا سوچیو" هنرمند رومانیایی ترس های انسان و مشکلاتش را در آثارش نشان می دهد. در این نقاشی ها به مردان و زنان به درون جعبه ها نگاه می کنند و یا از پنجره ها بیرون را می نگرند. آثار سوچیو با آثار رنه مگریت مقایسه شده اند. "Jump" "پرش" به "نظر به خرگوش گودال، آلیس در سرزمین عجایب" اشاره دارد. سفری پر ماجرا و عجیب و هیجان انگیز که از یک گودال شروع می شود. تصاویر "سوچیو" از رسانه ها سرچشمه گرفته اند. در این رابطه می گوید: "من از تصاویر آرشیوی تبلیغاتی استفاده می کنم. شخصیت هایی که من آنها را بازسازی می کنم. از چهارچوب خودشان بیرون می آورم. و به تصاویر حسی نو می دهم. معمولا از تصاویر دهه های ۴۰ و ۵۰ استفاده می کنم. نقاشی های من مانند عروسک های ماتروشکا هستند. شما از آنها برای اینکه بتوانید پازل جدیدی پیدا کنید استفاده می کنید. این نقاشی ها راهنمای کسانی هستند که می خواهند سفری عمیق به دنیای درونشان داشته باشند. به ریالیسم جادویی علاقه مندم برای ایجاد یک واقعیتی بر مبنای معیارهایی که مشکلات و معضلات را بیان کنم. دیگر به بیننده بستگی دارد که چطور نقاشی ها را به آن گونه ای که می خواهد تجزیه و تحلیل و تفسیر کند. بتواند هر نقاشی را با تجربه ای شخصی تحلیل کند."



۱



۲



تحریریه این شماره
شهاب آب روشن
احسان نفیسی
احسان میرحسینی
رضا حسینی

طراحی گرافیک
گروه طراحی "جی"

برای ارسال نظر، پیشنهاد و همچنین
مطالب مرتبط با ماهنامه با این نشانی
در تماس باشید.

design@outlook.com

